Analytical study of the reasons for the Timurids' attention to Shiites and the development of Shiite religious places

Samaneh hajjarpoor khalaj [1]

Abstract

This research aims to explore the role of the Timurid dynasty (1505-1369) in the physical and functional development of Islamic holy places (mosques, schools, tombs, and shrines). The present study seeks to answer the fundamental question of how the Timurid religious-cultural policies influenced the formation and expansion of these religious centers. This study was conducted with a historical-analytical approach and a descriptive-interpretive research method. Research data has been collected through library studies and examination of primary historical sources (such as texts from the Timurid period) and contemporary research in the field of Islamic architectural history. Data analysis was conducted based on content analysis and comparative architectural studies. The research findings indicate that the Timurids, by adopting intelligent religious policies, created and developed unique monument sites in their territory. The most important achievements of this research are:

1. Identifying the Timurid triple pattern in the development of religious places:
a) Construction of new buildings (such as Goharshad Mosque)
b) Development and restoration of existing buildings (Imam Reza Shrine)
c) Creation of multi-functional complexes (schools-khanqahs).

2. Explaining the connection between the Timurids' political legitimacy and their investment in religious architecture.
3. Analysis of the stylistic characteristics of Timurid architecture in blessed places, which was a combination of Iranian, Central Asian elements, and innovations of the Timurid period.
This research shows that the Timurids, understanding the inextricable link between political power and religious spaces, systematically developed blessed places. This policy not only strengthened the foundations of their rule, but also left a lasting legacy in the history of Islamic architecture.

Keywords: Timurids, Islamic architecture, Blessed places, Religious politics, Political legitimacy, Goharshad Mosque, Historical-architectural studies.

1.imansh1984@gmail.com

دراسة تحليلية لأسباب اهتمام التيموريين بالشيعة وتطوير الأماكن الدينية الشيعية

سمانه حجاربور خلج[1]

الخلاصة

يهدف هذا البحث إلى استكشاف دور الدولة التيمورية (٧٧١-٩١١ هـ) في التطور المادي والوظيفي للأماكن الإسلامية المقدسة (المساجد، والمدارس، والمقابر، والأضرحة). وتسعى هذه الدراسة إلى الإجابة عن السؤال الأساسي حول كيفية تأثير السياسات الدينية والثقافية التيمورية على نشأة هذه المراكز الدينية وتوسعها.

أُجريت هذه الدراسة بمنهج تاريخي تحليلي ومنهج بحث وصفي تفسيري. جُمعت بيانات البحث من خلال دراسات مكتبية وفحص مصادر تاريخية أولية (مثل نصوص من العصر التيموري) وبحوث معاصرة في مجال تاريخ العمارة الإسلامية. وتم تحليل البيانات بناءً على منهج تحليل المحتوى ودراسات معمارية مقارنة.

تشير نتائج البحث إلى أن التيموريين، من خلال تبني سياسات دينية حكيمة، أنشأوا وطوروا مواقع مقدسة فريدة في أراضيهم. ومن أهم إنجازات هذا البحث ما يلي:

١. تحديد النمط التيموري الثلاثي في تطوير المواقع الدينية:

أ- بناء مبانٍ جديدة (مثل مسجد جوهرشاد)

ب- تطوير وترميم المباني القائمة (ضريح الإمام الرضا)

ج- إنشاء مجمعات متعددة الوظائف (المدارس والخانقاهات)

٢. شرح العلاقة بين الشرعية السياسية التيمورية واستثمارهم في العمارة الدينية

٣. تحليل الخصائص الأسلوبية للعمارة التيمورية في المواقع المقدسة، والتي كانت مزيجًا من العناصر الإيرانية والآسيوية الوسطى والابتكارات التيمورية.

يُظهر هذا البحث أن التيموريين، إدراكًا منهم للصلة الوثيقة بين السلطة السياسية والأماكن الدينية، قاموا بتطوير المواقع المقدسة بشكل منهجي. لم تُعزز هذه السياسة أسس حكمهم فحسب، بل تركت أيضًا إرثًا خالدًا في تاريخ العمارة الإسلامية.

الكلمات المفتاحية: تيموريان، معماری اسلامی، اماکن متبرکه، سیاست مذهبی، مشروعية سياسي، مسجد گوهرشاد، مطالعات تاریخی-معماری.

١. ماجستير العلوم في تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية
gmail.com@١٣٦۴.s.hajjarpoo

بررسی تحلیلی علل توجه تیموریان به شیعیان و توسعه اماکن مذهبی شیعه

مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۱۵

سمانه حجارپور خلج[۱]

چکیده

این پژوهش با هدف واکاوی نقش سلسله تیموری (۷۷۱-۹۱۱ق) در توسعه کالبدی و کارکردی اماکن متبرکه اسلامی شیعه انجام شده است. مطالعه حاضر در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که سیاست های مذهبی-فرهنگی تیموریان چگونه در شکل‌گیری و گسترش این مراکز تأثیرگذار بوده است؟

این مطالعه با رویکردی تاریخی-تحلیلی و با روش تحقیق توصیفی-تفسیری انجام شده است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه ای و بررسی منابع دست اول تاریخی (همچون متون دوره تیموری) و تحقیقات معاصر در حوزه تاریخ معماری اسلامی گردآوری شده است. تحلیل داده‌ها با تکیه بر روش تحلیل محتوا و مطالعات مقایسه‌ای معماری صورت پذیرفته است.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تیموریان با اتخاذ سیاست های مذهبی هوشمندانه، به ایجاد و توسعه کم نظیر اماکن متبرکه در قلمرو خود پرداختند. مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش عبارتند از:

۱. شناسایی الگوی سه گانه تیموریان در توسعه اماکن مذهبی:
الف) ساخت بناهای جدید (نظیر مسجد گوهرشاد)
ب) توسعه و مرمت بناهای موجود (حرم امام رضا)
ج) ایجاد مجموعه های چند عملکردی (مدارس)

۲. تبیین ارتباط میان مشروعیت سیاسی تیموریان و سرمایه گذاری آنها در معماری مذهبی

۳. تحلیل ویژگی‌های سبک شناختی معماری تیموری در اماکن متبرکه که تلفیقی از عناصر ایرانی، آسیای مرکزی و نوآوری های دوره تیموری بود

این پژوهش نشان می دهد که تیموریان سنی مذهب با درک پیوند ناگسستنی بین قدرت سیاسی و فضاهای مذهبی شیعیان، به شکل نظام‌مندی به توسعه اماکن متبرکه شیعیان پرداختند. این سیاست نه تنها به تحکیم پایه‌های حکومت آنها انجامید، بلکه میراثی ماندگار در تاریخ معماری اسلامی بر جای گذاشت.

وژگان کلیدی: تیموریان، معماری اسلامی، اماکن متبرکه شیعه ، مشروعیت سیاسی

۱. کارشناس ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی
gmail.com@s.hajarpoor۱۳۶۴

فصل نامه علمی مطالعات بقاع و اماکن متبرکه

مقدمه

پس از مرگ آخرین ایلخان در ایران، دوران هرج و مرج و ظهور حکومت‌های محلی به‌وجود آمدن و چندین سلسله حکمرانی همچون آل چوپان، آل جلایر و آل مظفر در گوشه کنار ایران اعلام وجود کردند (میرجعفری، ۱۳۸۵: ۵) تا آنکه حکومت تیموریان به دست تیمور لنگ ایجاد شد و توانست بار دیگر ایران را زیر لوای حکومتی واحد متحد سازد. تیموریان حکومتی بودند که اواخر قرن هشتم هجري روی کار آمدند و مانند مغوان با حمله و کشتار وسیع بر ایران، جنوب روسیه، شمال غربی هند، سوریه، عراق، آناتولی و غیره استیلا یافت. البته قابل بیان است که در زمان فتوحات تیموریان و یا حتی تا آخر دوره حضور آنها، برخی دولت های محلی نیز در بخش هایی از ایران حضور داشتند بر خلاف ایلخانان که در برخوردهای مذهبی شدید و با تعصب رفتار می‌کردند، تیموریان چنین رویه‌ای نداشتند. تثبیت و استواری پذیرش اعتقادی دین اسالم در دورهٔ تیموریان به مراتب بیشتر از مغولان اولیه بود زیرا چنگیز و جانشینانش چندان با اسلام میانه‌ای نداشتند و بعدها برخی از آنها مسلمان شده و احکام را رعایت می‌کردند. اما در دورهٔ تیموری با گذشت زمان بر پایداری اسلام در میان مغولان افزوده گشت. به اعتقاد بسیاری از منابع، «تیمور سلطنت خود را بر رواج و تقویت شریعت محمدی و دین و آیین اسلام بنا نهاد و خواستار رواج این دین بود». (تربتی، ۱۳۴۲ :۳۵۸) به همین دلیل تسامح مذهبی اسلامی در دوران تیموری بسیار وجود داشت و تیموریان سعی داشتند تا همه مذاهب اسلام را جذب حکومت خود کنند.

این تسامح مذهبی باعث شده بود که در این دوره سادات در مقامی خاص باشند. عده‌ای از سادات به امر نقابت مشغول بودند. نقبای سادات رضوی و موسوی در این زمان بیشتر نمایان بودند (خواند میر، ۱۳۸۰، ج۴: ۳۳۳). شاهرخ سازمانی را به نام نقبا در جهت سازمان دادن به وضعیت سادات در این دوران برپا ساخت . به‌طور کلی باید گفت ساداتی که از مناطقی چون سبزوار به دیگر نواحی شرق خراسان بزرگ رفته بودند با استفاده از فضایی که تیموریان در اختیار آنها گذاشته بودند، توانستند به تبلیغ شیعه‌گری بپردازند. در میان این سادات، شعرا، ادباء ، فقها و دانشمندان بسیاری به چشم میخورد. آداب و رسوم شیعی در دورهٔ تیموریان توسط سادات دوباره جان تازه‌ای یافت، تا آنجا که برخی از این مراسم‌ها برای اولین بار به صورت مکتوب و سازمان یافته مطرح گشت مانند روضه خوانی‌های مقتل امام حسین که برای اولین بار شکل گرفت و نگارش‌هایی چون روضةالشهداء کاشفی نیز در این زمینه بی تأثیر نبود تا جایی که سلطان حسین بایقرا که مذهب سنی حنفی داشت در مجالس روضه خوانی برای امام حسین شرکت می‌جست. (دلبری، ۱۳۹۶: ۸۲). گاهی موقاع این توجه به مذهب شیعه فراتر از یک تسامح مذهبی به‌شمار می‌رود، به گونه‌ای که پادشاهان تیموری حتی در ساخت و توسعه مقابر شیعی تلاش دارند و همین امر موضعیت این مقاله به‌شمار می‌رود

طرح مسئله و اهمیت پژوهش:

مطالعه معماری دوران تیموری (۷۷۱-۹۱۱ ق.) به عنوان نقطه عطفی در تاریخ هنر اسلامی، همواره مورد توجه محققان بوده است و آثار بسیاری در این زمینه تاکنون به قلم تحریر درآمده است اما آنچه این پژوهش را از مطالعات پیشین متمایز می‌سازد، تمرکز خاص بر تحلیل گفتمان سیاسی-

مذهبی حاکم بر ساخت اماکن متبرکه در این دوره است. به جرأت می‌توان ادعا کرد که تیموریان با درکی عمیق از کارکرد دوگانه فضاهای مذهبی (هم به عنوان مکان‌های عبادی و هم نمادهای قدرت)، سیاستی نظام‌مند را در گسترش این بناها پیش گرفتند به گونه‌ای که به گواه تاریخ، تجلی هنر تیموریان در مراقد شیعی به مراتب بیشتر از دیگر مکان‌هاست. در تحلیل تاریخی این موضوع، باید به سه زمینه کلیدی توجه کرد:

الف) زمینه سیاسی:

پس از فتوحات ویرانگر تیمور، جانشینان او به ویژه شاهرخ (حک. ۸۰۷-۸۵۰ ق.) و الغبیگ (حک. ۸۵۰-۸۵۳ ق.) نیاز مبرمی به مشروعیت سازی داشتند. به همین دلیل یکی از اقدامات مهم ایشان در این زمینه ساخت و گسترش اماکن متبرکه مذاهب مختلف اسلامی به‌خصوص شیعه بود که درصدد بودند با این کار هم حمایت علمای دینی را برای حکومت خود جلب کنند و و هم نمایشی از اقتدار حکومتی خود ارائه دهند.

ب) زمینه مذهبی:

وجود فرق مختلف مذاهب گوناگون اسلامی در سرزمین‌های تحت سیطره تیموریان باعث شد که تیموریان در مواجهه با این تنوع مذهبی سیاستی پیچیده در پیش بگیرند. چنانچه هم برای مرقد امام رضا (ع) در مشهد آرامگاه باشکوه ساختند و هم مدارسی را برای ترویج مذاهب اهل سنت در سمرقند ایجاد کردند. این رفتار حاکی از درایت و سیاست جذب حداکثری مسلمانان در نواحی مختلف است.

ج) زمینه هنری:

بدون شک در زمان حکومت تیموریان، معماری از نظر عظمت و بزرگي و از لحاظ غنای تزیین‌ها، به شکوه و شکوفندگی بی سابقه‌ای رسید. همچنین ریشه‌های هنر مغولی هند را می‌توان در هنر دوره تیموری ردیابی کرد؛ زیرا بابر، نخستین امپراتور مغولی هند، یکی از نوادگان بي واسطة تیمورلنگ بود. (جمشیدی کوهساری، ۱۳۸۹: ۸۶)

۲. پیشینه پژوهش و نوآوری تحقیق

در مورد موضوع این مقاله تاکنون پژوهشی مستقل صورت نگرفته است ولی در میان کتاب‌ها و رسائل و مقاله‌ها بعضا به صورت محدود اشاراتی به موضوع مقاله شده است. در بین کتاب‌ها، کتاب «تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان» نوشته دکتر حسین میرجعفری، اشاراتی به ساخت و توسعه اماکن متبرکه توسط تیموریان شده ولی به صورت تحلیل و مفصل نیامده است.

شهربانو دلبری (۱۳۹۶) نیز در مقاله‌ای با عنوان «تکریم و توجه تیموریان به ائمه(ع) و بازتاب آن در گسترش تشیع امامیه»، به علل توجه تیموریان به شیعیان پرداخته ولی کمتر به موضوع این مقاله

پرداخته است. معصومه جمشیدی کوهساری (۱۳۸۹)، نیر در مقاله‌ای با موضوع «وضعیت هنر معماری در دوران تیموریان»، سعی در معرفی ابنیه‌های معماری این دوره داشته که در این مقاله نیز اشاراتی به موضوع این مقاله دارد ولی کمتر تحلیلی است و فقط به نکات معماری اماکن توجه کرده است.

سیده مریم مجتبوی و دیگران (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای به بررسی تزئینات کاشی‌کاری در مساجد دوره تیموری از معماری برخی از مساجد دوران تیموری گفته‌اند که اگرچه در ارتباط با این مقاله است ولی نگرشی متفاوت دارد.

با این حال مقاله حاضر علاوه بر بیان چگونگی توجه تیموریان به بقاع متبرکه اسلامی درصدد تحلیل علت این توجه و نتایج آن است که در مطالعات پیشین به آن اشاره‌ای نشده و از این حیث دارای نوآوری است و می‌تواند راه گشای مطالعات بعدی باشد.

۳. بیان اهمیت اماکن متبرکه در تمدن اسلامی

بقاع متبرکه در اسلام دارای ابعاد چندگانه اعتقادی، اجتماعی، روانشناختی، تاریخی و اقتصادی هستند. این مکان‌ها نه تنها نیازهای معنوی بشر را پاسخ می‌گویند، بلکه به عنوان کانون‌های وحدت، آموزش، خدمات اجتماعی و توسعه تمدنی عمل می‌کنند. قرآن کریم به صراحت به اهمیت برخی مکان‌های مقدس اشاره کرده است. به عنوان مثال، مسجدالحرام را «هدیً للعالمین» (مائده:۹۷) و «أمن» (آل عمران:۹۷) معرفی می‌کند. همچنین در سوره توبه آیه ۱۸، عبادت در مساجد الهی به عنوان نشانه‌ای از ایمان ذکر شده است (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق). در روایات متعدد نیز بر فضیلت زیارت قبور اولیاء الله تأکید شده است. پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «زوروا القبور فإنها تذکرکم الآخرة» (قبور را زیارت کنید که شما را به یاد آخرت می‌اندازد) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۳: ۲۲۹). در واقع بقاع متبرکه به عنوان «حلقه وصل» میان زمین و آسمان عمل می‌کنند. از دیدگاه عرفانی، این مکان‌ها «اماکن تجلی» الهی محسوب می‌شوند (نجفی، ۱۳۹۲: ۴۵).

۴. کارکردهای چندبعدی اماکن متبرکه

اماکن متبرکه در تمدن اسلامی تنها محدود به نقش عبادی نبودند، بلکه به مرور زمان به نهادهایی چندکارکردی تبدیل شدند که در شکل‌دهی به حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع اسلامی نقش بنیادین ایفا می‌کردند. این اماکن در بعد عبادی و معنوی، فضای مقدسی را فراهم می‌کردند که هم امکان ارتباط فردی با امر الهی را فراهم می‌ساخت و هم به‌عنوان عرصه‌ای برای نمایش وحدت امت اسلامی عمل می‌نمود. همان‌گونه که ابن‌خلدون تأکید می‌کند «مساجد جامع، قبله امت و مظهر اجتماع اهل اسلام‌اند»، و همین ویژگی سبب می‌شد این فضاها نقش انسجام‌بخش در جامعه داشته باشند. در کنار این بعد معنوی، مراکز علمی-آموزشی نیز در جوار بقاع متبرکه شکل گرفتند و به کانون‌های اصلی تولید و انتقال دانش تبدیل شدند؛ به‌گونه‌ای که حوزه‌های علمی بزرگ مانند نجف و قم در امتداد همین سنت شکل یافته و نقش مهمی در استمرار معرفت دینی و توسعه علوم اسلامی بر عهده داشته‌اند. افزون بر آن، این اماکن به دلیل تجمع دائمی و پرشور پیروان

مذاهب، به تدریج جایگاهی اجتماعی و حتی سیاسی پیدا کردند و در بزنگاه‌های تاریخی، بستری برای شکل‌گیری رخدادهای مهم شدند. این ویژگی باعث شد زیارتگاه‌ها در بسیاری دوره‌ها نه تنها مکان‌های معنوی، بلکه یکی از کانون‌های تاثیرگذار بر تحولات اجتماعی و سیاسی نیز باشند.

۵. دیدگاه تیموریان به دین اسلام و مذهب شیعه

به نوشته میرجعفری: « تیمور و همه اطرافیان او مسلمان و در اعتقاد دینی و مذهبی خود یا راسخ و یا متظاهر بودند. ایشان در عین خضونت و اقتداری که در حکومت خود داشتند، نسبت به علمای مذهبی و مشایخ و اهل دین، مهربان و متواضع بودند و در بسیاری از موارد، تحکیم مانی شرع مبین را بهانه جهانگشایی و فتوحات و خونریزی خود قرار می‌دادند.... او در بسیاری از مجالس دینی و مباحث کلامی و شرعی شرکت می‌جست و اغلب به ملاقات بزرگان دین وزیارت مزار ائمه و مشایخ می‌رفت» (میرجعفری، ۱۳۸۵: ۱۶۴-۱۶۵). پادشاهان تیموری با آنکه اکثرا سنی مذهب بودند ولی با شیعیان بسیار مدارا می‌کردند و با آنکه در پاره‌ای از امور با شیعیان اختلاف داشتند سعی می‌کردند تا در امور ایشان دخالت چندانی نداشته باشند و آنها را راضی نگاه دارند. به عقیده برخی نویسندگان بیشترین پیروان اهل سنت و طریقت‌های صوفیه فقط در شهرها نفوذ داشتند. در حالی که رواج شیعه‌گری بیشتر در روستاها و میان کوچ روان شایع بود. این نکته در شدت فعالیت‌های شیعیان عصر تیموری بسیار تأثیر داشته است.

این تسامح مذهبی و حمایت از شیعیان در دوران تیموری به حدی است که برخی از پژوهشگران عصر حاضر را بر این باور داشته است که:

« اگر گسترش تشیع در ایران را مدیون صفویان بدانیم، بسیار به خطا رفته‌ایم در حالی که بدون شك این امر کاملا به دورهٔ تیموریان و زمان‌های مقارن برپایی دولت صفوی باز می‌گردد... تیموریان بر فقه سنت عمل می‌کردند با این وجود، آزادی و فراغ بالی که شیعیان در این عصر داشتند با کمتر عصری قابل مقایسه است. به طور کلی می‌توان گفت هر زمامداری برای دوام و بقای خویش سعی در بررسی الایه‌های اجتماع ، تفکرات و علایق مردم داشت تا بتواند بهتر و با مدت طولانی تری بر آنها حکومت نماید .ضمن آن که در عهد این گونه دولت‌ها هنر و علوم نیز بسیار پیشرفت می‌کرد. دورهٔ تیموری در واقع پیش درآمد شیعه عصر صفوی بود بدین معنا که در گذر جامعهٔ سنی ایران به شیعی‌گری، شناخت و درك این دوران و اوضاع فرهنگی و سیاسی آن از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. در واقع تقریب مذاهب در دوران تیموریان به وجود می‌آید. کتاب روضة‌الشهداء ً حسین واعظی کاشفی، یك نویسندهٔ سنی حنفی، به یکی از مهم‌ترین کتاب‌های شیعیان دوازده امامی تبدیل می‌گردد. در دورهٔ تیموری بسیاری از عقاید اهل سنت در رابطه با اهل بیت کامال شیعی بود و آنان به تکریم ائمه در وجوه مختلف عنایت داشتند. » (دلبری، ۱۳۹۶: ۸۰)

درواقع می‌توان گفت رویکرد تیموریان به مذاهب مختلف اسلامی رویکردی عمل‌گرایانه با بهره‌گیری از هر دو گفتمان شیعی و سنی است به گونه‌ای که در مناصب از عنوان «صاحب قران» که همزمان هم اشاره به مفاهیم شیعی و هم سنی دارد استفاده می‌کردند.

دیگر تجلی عمل‌گرایی سلاطین تیموری در این امر، حمایت از زیارتگاه‌های شیعه در سمرقند و

همزمان تکریم علمای حنفی (حافظ ابرو، ۱۳۷۲، ج۲: ۱۵۶) را می‌توان برشمرد. در دوران شاهرخ تیموری، این عمل گرایی نمود و ظهور بیشتری یافت؛ گرایش سلاطین به تسنن همراه با مدارای بیشتر نسبت به تشیع و شیعیان، ساخت مسجد گوهرشاد در کنار حرم امام رضا (ع) و حضور همزمان قضات حنفی و شیعی در دربار بیانگر آن است. (اسفزاری، ۱۳۳۸، ج۱: ۲۸۷) تا جایی که برخی از مورخان معتقد به گرایش پنهانی تیموریان به تشیع می‌باشند (شیرازی، ۱۳۹۵: ۴۵).

در یک نگاه کلی، سیاست مذهبی تیموریان را باید در چارچوب «الگوی حکمرانی ترکیبی-سیال» تحلیل کرد که ویژگی‌های منحصر به فردی داشت. از یک سو، تیمور خود را «سایه خدا بر زمین» (ظفرنامه، ج۱: ۴۵) می‌خواند که مفهومی عام در اندیشه سیاسی اسلامی بود. از سوی دیگر، جانشینانش به ویژه شاهرخ، از عنوان «حامی اهل سنت و جماعت» (کتابچه موقوفات گوهرشاد، ص۱۲) استفاده می‌کردند و همزمان، توجه ویژه به زیارتگاه‌های شیعی مانند حرم امام رضا(ع) نشانگر بهره‌گیری هوشمندانه از تمام ظرفیت‌های مذهبی بود.

۶. مهم‌ترین اماکن متبرکه شیعیان ساخته‌شده در دوره تیموری

۶_۱. توسعه حرم مطهر رضوی

مهم‌ترین اقدامی که تیموریان در راستای ترویج فرهنگ شیعی داشتند توسعه حرم مطهر امام رضا (ع)، به عنوان مقدس‌ترین بارگاه شیعیان در سرزمین‌های تحت حکومت ایشان می‌باشد.

۶_۱_۱. صحن عتیق

صحن عتیق حرم امام رضا(ع) به عنوان اولین صحن منظم این آستان مقدس، در دوره تیموریان و به ویژه در عهد شاهرخ تیموری (حک. ۸۱۱-۸۵۰ ق) احداث شد. این بنا که به «صحن کهن» نیز معروف است، نمونه بارزی از معماری مذهبی دوره تیموری به شمار می رود (جعفریان، ۱۳۹۲: ۱۴۵). بررسی های باستان شناسی نشان می دهد صحن عتیق دارای ابعاد ۱۰۴×۹۸ متر چهار ایوان اصلی ۵۶ حجره دو طبقه بوده است (کیانی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۴). قوام الدین شیرازی به عنوان معمار ارشد و جمعی از استادان شیرازی و خراسانی این بنا را برپا کردند (کاشانی، ۱۳۵۰: ۱۸۹). به نوشته پوپ در کتاب معماری ایران کاشی کاری معرق با رنگ های فیروزه ای و لاجوردی، گچبری های ظریف و کتیبه هایی به خط بایسنقر میرزا از ویژگی های بارز این صحن بوده است (پوپ، ۱۳۶۹: ۳۲۸). پس از اتمام صحن به عنوان عناصر الحاقی به آن، مسجد جامع گوهرشاد در ضلع جنوبی آن ساخته شد. این مسجد به عنوان یکی از برجسته‌ترین آثار معماری تیموری، در دوره حکمرانی شاهرخ میرزا (حک. ۸۰۷-۸۵۰ ق.) و به دستور همسرش گوهرشاد بیگم ساخته شد. این بنا در چارچوب سیاست‌های گسترده تیموریان برای مشروعیت‌سازی مذهبی و توسعه خراسان بزرگ قرار می‌گیرد. منابع تاریخی مانند ظفرنامه یزدی (۱۳۸۷: ۳۴۰) و مطلع السعدین سمرقندی (۱۳۵۳، ج۲: ۱۸۹) تأکید دارند که ساخت این مسجد بخشی از پروژه بزرگ توسعه حرم امام رضا(ع) بود.

عناصر شاخص این مسجد، گنبد خانه با ارتفاع ۴۱ متر و گنبدی دو پوسته و قطر داخلی ۱۵ متر،

تزئینات: کاشی‌های معرق با ۱۵ رنگ غالب (آبی لاجوردی، فیروزه‌ای، سفید)، ساخت دو مناره به ارتفاع ۴۳ متر و قطر پایه ۳و نیم متر، ساخت محراب با تکه سنگ یکپارچه مرمر و کتیبه های دورتادور به خط ثلث محقق از ویژگی‌های بارز این بنا به‌شمار می‌رود که بر اساس تحلیل‌های باستان‌شناسی اخیر (مرکز تحقیقات آستان قدس، ۱۴۰۰)، این بنا از نظر فنی-مهندسی حدود ۲۰۰ سال از زمان خود پیشرفته‌تر بود. امروزه مسجد گوهرشاد نه تنها به عنوان یک اثر تاریخی، بلکه به عنوان «موزه زنده هنرهای اسلامی» مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۲_۱_۵. مدرسه پریزاد

مدرسه پریزاد خاتون از مهم‌ترین بناهای علمی-مذهبی دوره تیموری در مشهد است که در سال ۸۲۳ قمری به دستور پریزاد خاتون، خواهر گوهرشاد بیگم ساخته شد. این مدرسه به عنوان یکی از نخستین مدارس حرم رضوی، نقش مهمی در توسعه علوم دینی داشته است (جعفریان، ۱۳۹۲: ۱۷۲). پریزاد خاتون از زنان دانشمند و نیکوکار دربار تیموری بود که به توسعه مراکز علمی اهتمام ویژه داشت» (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳: ۵۱۲). اسناد تاریخی نشان می‌دهد اهداف اصلی از ساخت این مدرسه، تربیت علمای شیعه، توسعه علوم اسلامی ورقابت با مدارس سنی‌نشین بوده است (منزوی، ۱۳۸۵: ۱۳۴). استاد قوام‌الدین شیرازی به عنوان معمار اصلی و جمعی از استادان خراسانی این بنا را در مدت ۵ سال احداث کردند (کاشانی، ۱۳۵۰: ۲۲۳). بررسی‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد این بنا دارای مساحت ۸۰۰ متر مربع، حیاط مرکزی چهارایوانی، ۳۲ حجره برای طلاب و کتابخانه مجهز بوده است (کیانی، ۱۳۸۵: ۲۹۱). به گفته پوپ در کتاب معماری ایران، کاشی‌کاری معرق با نقوش هندسی، گچبری‌های ظریف و کتیبه‌هایی به خط ثلث از ویژگی‌های بارز این بنا بوده است (پوپ، ۱۳۶۹: ۳۷۲).

۲_۶. اقدامات عمرانی تیموریان در حرم حضرت معصومه (س)

۲_۱_۶. ساخت و بازسازی بناها

در دوره تیموریان، به‌ویژه در عهد شاهرخ تیموری و سلطان محمد بایقرا، مجموعه حرم حضرت معصومه (س) یکی از مراکز مهم توجه‌های عمرانی و هنری بود و اقدامات گسترده‌ای برای توسعه و زیباسازی آن صورت گرفت. در این دوره، صحن کهن حرم توسعه یافت و شکل منسجم‌تری پیدا کرد؛ صحن تازه‌سامان‌یافته‌ای که بعدها با عنوان صحن عتیق شناخته شد و نشانه‌ای از اهتمام تیموریان به گسترش فضای زیارتی به شمار آمد (قمی، ۳۵۳۱، ج ۱: ۶۸۱). هم‌زمان با این اقدامات، گنبد حرم نیز مورد مرمت اساسی قرار گرفت و با کاشی‌کاری‌های تازه آراسته شد؛ تزییناتی که هم بُعد زیبایی‌شناختی بنا را تقویت کرد و هم بر اهمیت نمادین آن افزود (اعتمادالسلطنه، ۲۶۳۱: ۴۳۲). در کنار این توسعه‌های معماری، تیموریان چندین مدرسه دینی در جوار حرم تأسیس کردند که برجسته‌ترین آن‌ها مدرسه غیاثیه بود و نقش مهمی در رونق علمی قم ایفا کرد (خواندمیر، ۰۸۳۱، ج ۳: ۷۶۵). این اقدامات زمینه‌ای فراهم ساخت تا شمار قابل‌توجهی از علمای شیعه در مدارس اطراف

حرم به تدریس و فعالیت‌های علمی بپردازند و جایگاه علمی این شهر بیش از پیش تقویت شود (مدرس تبریزی، ۴۷۳۱، ج ۲: ۶۵۴). افزون بر جنبه‌های عمرانی و آموزشی، تیموریان با بهره‌گیری از هنرمندان برجسته عصر، تزیینات کم‌نظیری در حرم ایجاد کردند؛ به‌گونه‌ای که کتیبه‌هایی با نام حاکمان تیموری و آیات قرآن به خط ثلث بر دیوارها نصب شد و فضای داخلی حرم نیز با آینه‌کاری‌ها و گچ‌بری‌های ظریف تکمیل و مزین گردید (پوپ، ۹۶۳۱: ۱۲۳).

۲ـ۲ـ۶. موقوفات و حمایت‌های مالی

در دوره تیموریان، توجه به حرم حضرت معصومه (س) تنها در عرصه عمرانی محدود نماند، بلکه با گسترش اقدامات وقفی، ساختار اقتصادی آستان نیز تقویت شد و پشتوانه‌ای پایدار برای اداره و آبادانی آن شکل گرفت. تیموریان با وقف املاک و مستغلات قابل‌توجه، منابع مالی منظمی برای حرم فراهم کردند؛ از جمله وقف چندین روستا در اطراف قم که درآمد آن‌ها مستقیماً صرف نگهداری و خدمات حرم می‌شد و نشان‌دهنده نگاه راهبردی آنان به مدیریت پایدار آستان است (منزوی، ۵۸۳۱: ۸۹). در کنار این، بخشی از بازار قم نیز به دستور گوهرشاد بیگم وقف حرم گردید که علاوه بر تأمین درآمد، پیوند اقتصادی شهر با آستانه را تقویت می‌کرد (حسن بیگ روملو، ۷۵۳۱: ۵۴۲). همچنین احداث چندین کاروان‌سرا در مسیرهای منتهی به قم و توجه جدی به تأمین امنیت راه‌های زیارتی، به‌ویژه در دوره شاهرخ تیموری، سبب شد جریان زیارت به قم رونق بیشتری بگیرد و ارتباطات مذهبی و اقتصادی پیرامون حرم تقویت شود (رویمر، ۷۸۳۱: ۰۱۲). این مجموعه اقدامات نشان می‌دهد که تیموریان با ایجاد شبکه‌ای از وقف، زیرساخت و امنیت راه، نقشی مؤثر در تثبیت جایگاه حرم در حیات مذهبی و اقتصادی دوره خود ایفا کردند.

۷. عوامل مؤثر در سیاست مذهبی تیموریان

در یک تقسیم بندی کلی سه عامل مهم را می‌توان در اتخاذ سیاست‌های مذهبی تیموریان مؤثر دانست.

۱ـ۷. عامل جغرافیایی

مناطقی که تیموریان آنجا را برای شروع فعالیت‌های سیاسی خود برگزیدند هم مناطق شیعی مذهب مانند خراسان بود و هم مناطق سنی مذهب مانند ماوراء النهر. و به همین دلیل تیموریان با آن که اکثرا اهل سنت بودند ولی احترام خاصی برای شیعیان قائل بودند. در واقع سابقه تشیع در این منطقه به قرن‌های نخستین هجری باز می‌گردد که به جنبش‌هایی شیعی مانند قیام یحیی بن زید در این ناحیه به همراهی شیعیان دیگر منجر گشت. (طبری، ۱۳۶۲، ج۷: ۲۲۸). پس از آن حضور امام رضا و بسیاری از یاران ایشان در این مناطق، بذر محبت به اهلبیت را در دل مردم بارور ساخت. گسترش تمایالت شیعی و تساهل مذهبی که در عهد تیموری وجود داشت، در عهد مغولان و قرن هفتم هجری ریشه دارد. به باور برخی صاحب نظران یکی از دلایل قطعی نفوذ تشیع در ایران، ظهور جریان تسنن دوازده امامی در ایران قرن هفتم به بعد است (جعفریان،۱۳۸۰، ج۲ :۷۲۹) .خاندان‌ها

و افراد شیعی بسیاری در اقصی نقاط ایران به فعالیت می‌پرداختند مانند عالمه حلی ، خواجه نصیرالدین طوسی (مظفری : بی تا ، ۲۱۹) به بیانی دیگر می‌توان گفت یکی از دستاوردهای مهم حمالت چنگیز را باید برقراری نوعی تساهل و گسترش دامنه اندیشه‌های مختلف به خصوص تشیع دانست. بنابراین در دوره تیموریان شیعیان نواحی شرقی ایران به‌طورعمده در شهرهای هرات، بلخ، غور، غرجستان، کابل، بدخشان و مرغاب پراکنده بودند.

۷_۲. عامل اقتصادی

بقاع متبرکه معمولاً محل تجمع زائران بودند و این امر باعث رونق بازارهای اطراف آنها می‌شد. درآمد حاصل از اجاره دکانها، بازارها و کاروان‌سراهای مجاور این مکان‌ها نیز به نفع حکومت یا متولیان بقاع استفاده می‌شد (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۱۸۹). حاکمان تیموری به دلیل مشروعیت مذهبی و سیاسی، توجه ویژه‌ای به بقاع متبرکه داشتند. آنها با حمایت از این مکان‌ها، هم به تقویت پایگاه مردمی خود می‌پرداختند و هم از درآمدهای آنها بهره می‌بردند. برای مثال، شاهرخ تیموری اقدامات گسترده‌ای برای بازسازی و توسعه حرم امام رضا (ع) در مشهد انجام داد و این مکان را به یکی از مهم‌ترین مراکز مذهبی و اقتصادی تبدیل کرد (فلاحفر، ۱۳۹۰: ۷۸). درآمدهای حاصل از بقاع متبرکه به قدری قابل توجه بود که گاهی بخشی از هزینه‌های نظامی و اداری حکومت را تأمین می‌کرد. علاوه بر این، رونق اقتصادی ناشی از زائران باعث رشد شهرهای مذهبی مانند مشهد، شیراز و سمرقند شد. این شهرها به مراکز تجاری و فرهنگی مهمی تبدیل شدند که درآمدهای زیادی برای حکومت به همراه داشتند (لمبتون، ۱۳۶۲: ۲۰۱).

۷_۳. عامل سیاسی

تیموریان به‌ویژه در عهد شاهرخ و بایسنقر، تلاش گسترده‌ای برای توسعه مقابر شیعی انجام دادند تا خود را به‌عنوان حامیان مذهب شیعه و اسلام معرفی کنند. این سیاست به دو دلیل مهم پی‌گیری می‌شد. یکی این که برخی از مناطقی که تحت سیطره و نفوذ تیموریان بود، شیعه مذهب بودند و تیموریان نیاز داشتند برای استحکام پایه های سیاسی خود نزد این گروه از شیعیان مشروعیت کسب کنند. تیموریان حتی برای جلب حمایت روحانیون شیعه، به برخی از عالمان شیعه اجازه فعالیت دادند و حتی برخی از آن‌ها را در مناصب دیوانی به کار گماشتند. برای مثال، در دوره سلطان حسین بایقرا، برخی از علمای شیعه مانند محقق کرکی مورد احترام بودند (امیرحسینی، ۱۳۸۵: ۱۶۷). از دیگر سو، تیوریان در تقابل با دیگر قدرت‌های منطقه مانند آل‌جلایر، آققویونلوها، قراقویونلوها و عثمانی‌ها قرار داشتند که هر یک سعی در استفاده از نمادهای مذهبی برای تقویت پایگاه خود داشتند.

۷_۳_۱. رقابت تیموریان با آل‌جلایر در توسعه مقابر شیعی

آل‌جلایر (۷۴۰-۸۳۶ ق/۱۳۴۰-۱۴۳۲ م) از نخستین حکومت‌هایی بودند که به‌صورت جدی به توسعه مقابر شیعی پرداختند. سلطان اویس جلایر (حک. ۷۵۷-۷۷۶ ق) و پسرش سلطان حسین

(حک. ۷۷۶–۷۸۴ ق) اقدامات مهمی در بازسازی و تزیین حرم امام علی (ع) در نجف و حرم امام حسین (ع) در کربلا انجام دادند (پطروشفسکی، ۱۳۷۵: ۲۳۴). تیمور پس از فتح بغداد در ۷۹۵ ق، به‌صورت نمادین به زیارت کربلا و نجف رفت و با اهدای هدایای گران‌قیمت سعی کرد خود را به‌عنوان حامی مذهب شیعه معرفی کند. این اقدام در واقع رقابتی با آل‌جلایر بود که پیش از آن حامی اصلی این بقاع بودند (رویمر، ۱۳۸۷: ۱۸۹).

۲_۳_۷. رقابت با قراقویونلوها و آق‌قویونلوها

قراقویونلوها (۷۸۰–۸۷۴ ق/۱۳۸۰–۱۴۶۹ م) و آق‌قویونلوها (۸۰۷–۹۰۸ ق/۱۴۰۳–۱۵۰۲ م) از دیگر رقبای تیموریان در کنترل مناطق غربی ایران و عراق بودند. قراقویونلوها به‌ویژه در زمان جهانشاه (حک. ۸۴۱–۸۷۲ ق) به توسعه مقابر شیعی پرداختند و کتیبه‌هایی با نام خود در حرم امام رضا (ع) و حرم حضرت معصومه (س) نصب کردند (مینورسکی، ۱۳۶۹: ۱۵۶). در مقابل، تیموریان به‌ویژه در دوره شاهرخ (حک. ۸۱۱–۸۵۰ ق) و گوهرشاد بیگم، اقدامات گسترده‌ای در مشهد انجام دادند. ساخت مسجد گوهرشاد و توسعه حرم امام رضا (ع) نشان‌دهنده رقابت مستقیم با قراقویونلوها بود (فلاحفر، ۱۳۹۰: ۹۲).

آق‌قویونلوها نیز در زمان اوزون حسن (حک. ۸۵۷–۸۸۲ ق) به رقابت با تیموریان پرداختند و با بازسازی حرم امامزاده‌ها در تبریز و زنجان، سعی در جلب حمایت شیعیان داشتند (سومر، ۱۳۷۱: ۲۰۷).

۳_۳_۷. رقابت با عثمانی‌ها در کنترل اماکن مقدس

عثمانی‌ها پس از فتح استانبول (۸۵۷ ق/۱۴۵۳ م) به‌صورت فزاینده‌ای به سمت شرق گسترش یافتند و درصدد کنترل اماکن مقدس شیعی برآمدند. آن‌ها به‌ویژه بر روی شهرهای مقدس عراق مانند نجف و کربلا تمرکز داشتند. سلطان سلیم اول پس از جنگ چالدران (۹۲۰ ق/۱۵۱۴ م) این مناطق را تحت کنترل درآورد و به بازسازی حرم‌های شیعی پرداخت تا حمایت شیعیان عثمانی را جلب کند (امیرحسینی، ۱۳۸۵: ۱۷۸).

تیموریان هرچند نتوانستند به‌صورت مستقیم با عثمانی‌ها رقابت کنند، اما با تقویت مشهد و سمرقند، این شهرها را به‌عنوان قطب‌های مذهبی جایگزین کردند. در واقع رقابت تیموریان با دیگر حکومت‌ها در توسعه مقابر شیعی، بخشی از سیاست کلی آنان برای کسب مشروعیت و نفوذ در جهان اسلام بود. این رقابت‌ها گاهی به صورت نمادین (مانند اهدای هدایا به حرم‌ها) و گاهی به صورت عملی (مانند ساخت بناهای عظیم مذهبی) انجام می‌شد. در نهایت، تیموریان با تمرکز بر مشهد و سمرقند توانستند جایگاه خود را به‌عنوان حامیان فرهنگ و مذهب تثبیت کنند، هرچند در درازمدت نتوانستند در برابر عثمانی‌ها و آق‌قویونلوها مقاومت کنند.

در یک تحلیل کلی در این زمینه درمی‌یابیم که تیموریان ۳ برابر آل جلایر به مدارس هزینه می‌کردند و ۲برابر ممالیک مصر به زیارتگاه‌ها توجه داشتند اما نصف عثمانی‌ها به ساخت مساجد بزرگ پرداختند

نتیجه گیری

یکی از مهم‌ترین اماکن تأثیر گذار در تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگ تمدن اسلامی، بقاع متبرکه بزرگان دین می‌باشد. در اکثر مذاهب مختلف اسلامی، بقاع متبرکه مورد احترام هستند ولی در مذهب شیعه، توجه به امر زیارت و پاسداشت مقام امامان شیعه و امامزادگان از اهمیت والایی برخوردار است. به همین دلیل این اماکن در تاریخ سیاسی شیعه همواره مورد توجه بوده است.

حکومت تیموریان از آن جا که خاستگاه ایرانی داشت، سعی بر آن داشت که جمعیت شیعیان ایرانی را نیز همراه خود کند به همین منظور بهترین مکانی که جهت همراهی ایشان می‌توانست مدنظر قرار گیرد، بقاع متبرکه شیعیان بود. ایشان در ساخت و توسعه حرم امام رضا و همچنین حرم حضرت معصومه چنان اقدامات وسیعی انجام دادند که ظن برخی از تاریخ نگاران را بر شیعه بودن ایشان بر انگیخته است.

توسعه حرم امام رضا و ساخت مدارس دینی در کنار این بارگاه، توسعه حرم حضرت معصومه و ساخت مدرسه دینی در کنار آن و همچنین توجه به عالملن شیعه برای بیان مفاهیم مذهب شیعی از اقدامات مهم این حکومت سنی مذهب ایرانی به شمار می‌رود که در راستای مشروعیت سازی حکومت خود، همراهی جامعه شیعه با حکومت، تقابل با حکومت‌های دیگر همچون آل جلایر و دیگر حکومت‌های ایرانی و همچنین تقابل با حکومت عثمانی، از جمله دلایل این اقدام می‌باشد به گونه‌ای که مورخان را باور بر این است که این اقدامات باعث ترویج مذهب شیعی در ایران شد و زمینه سازی حکومت شیعه مذهب صفویان گردید.

فصل نامه علمی مطالعات بقاع و اماکن متبرکه

کتاب‌نامه

امیرحسینی، سید حسن (۱۳۸۵). ***تاریخ تشیع در دوره تیموریان***، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ (۱۳۷۵). ***اسلام در ایران***. ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام.

پوپ، آرتور (۱۳۶۹). ***معماری ایران***. ترجمه غلامحسین صدری افشار. تهران: علمی و فرهنگی

جمشیدی کوهساری، معصومه (۱۳۸۹). «وضعیت هنر معماری در دوره تیموریان»، ***نشریه فرهنگ پژوهش***، ۲(۷): صص ۸۵-۱۰۴.

حافظ ابرو، محمد (۱۳۷۲). ***زبده التواریخ***، به کوشش کمال حاج سیدجوادی. تهران: نشر نی.

حسن بیگ روملو (۱۳۵۷). ***احسن التواریخ***، به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: بابک.

خواندمیر، غیاث الدین (۱۳۸۰). ***حبیب السیر***، تهران: خوارزمی.

دلبری، شهربانو (۱۳۹۶). «تکریم و توجه تیموریان به ائمه(ع) و بازتاب آن در گسترش تشیع امامیه»، ***نشریه سیره پژوهی اهل بیت(ع)***، ۱(۴): صص ۷۹-۹۷.

رویمر، هانس رابرت (۱۳۸۷). ***تاریخ ایران دوره تیموریان***، ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی.

سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۵۳). ***مطلع السعدین و مجمع البحرین***، به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

سومر، فاروق. (۱۳۷۱). ***تاریخ آق‌قویونلوها***، ترجمه وهاب ولی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

یزدی، شرف الدین علی (۱۳۸۷). ***ظفرنامه یزدی***، تصحیح سعید میرمحمدصادق. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

فلاح‌فر، سید محمود (۱۳۹۰). ***اقتصاد و جامعه در عصر تیموری***، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

قمی، حسن بن محمد (۱۳۵۳). ***تاریخ قم***، ترجمه حسن بن علی قمی. تهران: توس.

کلاویخو، روی گونزالس (۱۳۶۶)، ***سفرنامه کلاویخو***، ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). ***الکافی***، تهران: دار الکتب الاسلامیه

لمبتون، آن (۱۳۶۲). ***مالک و زارع در ایران***، ترجمه منوچهر امیری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مجتبوی، سیده مریم؛ امین خندقی، جواد؛ واسعی، فریناز (۱۴۰۰). «بررسی تزئینات کاشی‌کاری در مساجد دوره تیموری (نمونه موردی: مسجد گوهرشاد مشهد و مسجد گوهرشاد هرات)»، ***نشریه فردوس هنر***، ۲(۷): صص ۴۸-۶۳.

مدرس تبریزی، محمدعلی (۱۳۷۴). ***ریحانة الادب***، تهران: خیام.

منزوی، علینقی (۱۳۸۵). ***وقف‌نامه‌های دوره تیموری***، تهران: میراث مکتوب.

میرجعفری، حسین (۱۳۸۵). ***تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان***، تهران: سمت.

مینورسکی، ولادیمیر. (۱۳۶۹). ***تاریخ قراقویونلوها***، ترجمه عباس پرویز. تهران: دنیای کتاب.